

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بررسی جایگاه ادبیات داستانی در آموزش هویت ملی به دانش آموزان

۱-احمدرضا کدخدائی، ۲-امیر حیدری

۱-دانشجوی کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس دکتر شریعتی ساری

۲-دانشجوی کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس دکتر شریعتی ساری

۱.[Ahmadreza.k@gmail.com](mailto:Ahmadreza.k@gmail.com)

۲.[Amir.heydari@gmail.com](mailto:Amir.heydari@gmail.com)

چکیده

هویت هر ملت مجموعه ای از پیروزی ها و شکست ها، حسادت ها و هم دلی ها، خوی های زشت و نیکو، رمز و راز عشق ورزیدن و کینه جویی و باورهای خاص و سنت ها است. مطالعه زبان و ادبیات این امکان را به ما می دهد با مردم سرزمینمان از دیر باز تا کنون همراه شویم. بدانیم چگونه در برابر ستمگران ایستاده ایم و چه هنگام و چرا ستم دیده ایم. افسانه ها و اسطوره همامان بیشتر در چه بابتی است و باورهای اعتقادیمان کی و در چه شرایطی به دادمان رسیده است. کجا در خود فرو رفته ایم و فسرده وار سخن گفته ایم و چه هنگام شاد و با انگیزه بوده ایم. جایگاه عشق را در خود بسنجیم و آگاه شویم ایرانیان چگونه می زیسته اند و اندیشه شان چه بوده است. لذا در مقاله پیش رو که به روش گردآوری تدوین شده است تلاش نموده ایم جایگاه ادبیات داستانی در آموزش هویت ملی به دانش آموزان را مورد کنکاش قرار دهیم.

کلمات کلیدی: ادبیات داستانی، هویت ملی، دانش آموزان، زبان و ادبیات

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

## مقدمه

با توجه به اینکه ادبیات داستانی در همه جای جهان شناخته شده است اما مهد این نوع ادبیات به یونان باستان برمی گردد. در زبان یونانی به عمل یا کاری که در واقع انجام می شود دراما می گویند. درما به نوعی نمایش و ادبیات گفته می شود توسط بازیگران اجرا می شود. همچنین شخصیتی به نام بن جونسون اولین چهره خود را در سال ۱۶۱۶ چاپ کرد که مورد استقبال بی نظیری قرار گرفت. البته اشخاصی مانند شکسپیر نیز همین کار را کردند و به نوشتن و چاپ ادبیات نمایشی روی آوردند.

با گذشت زمان این ادبیات نمایشی به صورت متن نمایشنامه ها درآمدند که به واسطه کارگردان توسط بازیگران به اجرا درآمد. (یونسی، ۱۳۶۹) اولین نمایشنامه ها در صحنه تئاتر اجرا شدند. در واقع نمیتوان به طور قطع مطمئن بود که تئاتر ها اولین بار در کجا ساخته شدند ولی در یونان باستان از تئاتر به عنوان ابزار و مکانی برای پرستش خدایان استفاده می شده است. با انجام این کار، آنها درام را به یک آیین یا به عبارت دیگر به نوعی از یک نمایشنامه های آیینی تبدیل کردند و جشن هایی را به افتخار خدایان یونانی، باروری، طبیعت و ... برگزار کردند. تئاتر با سقوط امپراتوری روم محبوبیت خود را ادامه داد. با شروع قرون وسطی، کلیسا دیدگاههای متفاوتی از خدایان اساطیری داشت و تئاتر را شرور می دید. بیشتر تئاتر غیرقانونی بود و نمایش فقط توسط گروه های مسافرتی از بازیگران اجرا می شد. اما سرانجام، کلیسا ارزش ماهیت آیینی درام را دید و شروع به بازآفرینی داستانهای کوتاه کتاب مقدس کرد. با مرور زمان ادبیات نمایشی شکل جدیدی به خود گرفت و در همه جای دنیا از آن برای متن نمایش ها استفاده شد و امروزه در انواع سبک ها و نمایش ها با هر محتوایی قابل اجرا می باشد. و هیچ محدودیتی در انتقال مفاهیم به مخاطبان ندارد. در این شیوه هنری است که بازیگر و مخاطب توأمان و همراه با هم به درک و شناخت از یک واقعه و پدیده نایل می شوند و لذتی متقابل را درک می کنند. (میرصادقی، ۱۳۷۶) مهم ترین عامل در ایجاد یک فرایند نمایشی تأثیرگذار، برخورداری از یک متن نوشتاری قدرتمند است که به فراخور اندیشه و هدفی که پشت آن نهفته است، می تواند ارتباط مؤثر با گروه مخاطب خود برقرار کند. یکی از مهم ترین کارکردهای ادبیات نمایشی، جنبه تربیتی و آموزشی آن است، این مهم وقتی بیشتر به چشم می آید که توجه داشته باشیم، آموزش مستقیم و بی واسطه از سوی بسیاری از انسان ها مورد توجه و قبول قرار نمی گیرد و این مسأله در حیطه تعلیم و تربیت کودکان نمود و بروز بیشتری دارد؛ چون بچه ها معمولاً از آنچه که به صورت فرمایشی و دستوری به آن ها ارایه شود، رو گردان هستند و در مقابل از جنبه های غیر مستقیم آموزشی استقبال بیشتری دارند که تأثیرپذیری بیشتری را نیز به همراه دارد. اغلب کودکان از همان ابتدا برای برقراری ارتباط با دیگران از حرکات استفاده می کنند و بخش زیادی از تجربیات بچه ها در بازی های تقلیدی و نمادین آنان، درست زمانی که به ایفای نقش با عروسک های خود می پردازند، کسب می شود و در این نقش، بازی کردن بچه ها با عروسک ها و اشیای در دسترس خود به صورت خلاق و بدون متن به صورت فی البداهه، دیالوگ (گفت و گو میان دو نفر) و مونولوگ (تک گویی) برقرار کرده و حالات و حرکات شخصیت ها را به نمایش می گذارند. (میرصادقی، ۱۳۸۳) از خلال همین بازی هاست که بچه ها به درک و شناختی بیشتر و کامل تر از محیط پیرامون خود و نیز از شرایط و مناسبات اطرافشان می رسند و این خود نوعی کسب تجربه و دانش و راهی به سوی بزرگ شدن و به بزرگی رسیدن است و در واقع بسیاری از دانسته ها و رفتارها و اخلاقیات، انسان ها از همان دوره کودکی و با همان بازی های به ظاهر ساده اولیه با لوازم اطرافشان به وجود می آید و رفته رفته به شکل گیری شخصیت آن ها منجر می شود. با اتکا بر همین نیاز فطری است که از نمایش و بخصوص نمایش عروسکی به عنوان یک ابزار و واسطه مهم آموزشی و پرورشیدر مقاطع سنی گوناگون می توان بهره برد. نمایش عروسکی به دلیل ارتباط نزدیک با بازی تخیل دوره کودکی و قصه ها و داستان ها (ادبیات) نقش مهم و مؤثری در تعلیم و تربیت کودکان دارد؛ چون با استفاده از این هنر است که بسیاری از گفته ها و آموزه ها را می توان به بچه ها منتقل کرد، بدون اینکه آن ها احساس آموزش دیدن داشته باشند؛ زیرا بچه ها با عروسک ها ارتباطی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عاطفی برقرار می‌کنند و از آنجا که به عروسک‌ها علاقه و باور دارند، آنچه را که از زبان و رفتار آن‌ها می‌بینند، بهتر می‌آموزند. در واقع عروسک در دستان یک هنرمند تئاتر کودک ابزار و وسیله‌ای آموزشی می‌شود که بدون اینکه شعار بدهد و پند و اندرز بگوید، ساده و بی‌پیرایه با آنان ارتباط برقرار کرده و آنان را به کشف واقعیات رهنمون می‌شود. اما همان‌طور که اشاره شد، نخستین و مهم‌ترین گام در ایجاد یک فعالیت نمایشی بهره بردن از یک متن قوی و برخاسته از اندیشه است. این مهم در حیطه کودک و نوجوان با توجه به اینکه مقصود از بیشتر آثار نمایشی برای این گروه مخاطب‌ارایه یک مفهوم و انتقال یک هدف است، ارزش و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. کسانی که در حیطه ادبیات نمایشی برای کودکان قلم می‌زنند، افزون بر رعایت نکات هنری و ادبی در نگارش این نوع ادبی، باید با دنیا و اندیشه‌های این گروه آشنایی کامل داشته باشند و خواسته‌های آنان را خوب بدانند تا متعاقب این دانسته‌ها آنچه را که می‌نویسند، به کار بچه‌ها بیاید. نمایش و ادبیات نمایشی برای کودکان و نوجوانان می‌تواند کارکردها و اهداف متفاوتی را دنبال کند، از آن جمله (محمودیان، ۱۳۸۲)

اول، کشف و بارور کردن استعدادها، تقویت قوه تخیل و ابتکار کودکان و نوجوانان، طرح و بررسی نیازها و مشکلات و آشنا کردن آن‌ها با دنیای فانتزی و تخیل و افسانه و نیز حقایق و واقعیات دنیای پیرامون. دوم برآورده کردن نیازهای فکری و روحی و روانی کودکان با طرح و بررسی نیازها و مشکلات و ارایه رهنمودها و راه حل منطقی نمایش از طریق اجرا و همذات‌پنداری و نه به صورت مستقیم.

سوم، آماده‌سازی بنیادهای فکری و شخصیتی کودکان و نوجوانان برای طی کردن منطقی و مسؤولانه مراحل گوناگون زندگی. استفاده درست و بجا از این ابزار مهم و تأثیرگذار می‌تواند بسیاری از دشواری‌های آموزشی را آسان کند و جایگاه ویژه‌ای در نظام تعلیم و تربیت بیابد. به شرط آنکه توسط افرادی آموزش دیده که آشنایی کاملی با دنیای کودکان و نوجوانان نیز داشته باشند، انجام شود.

## مبانی نظری تحقیق

### ادبیات

ادبیات به معنای عام کلمه، غالباً به هر نوع نوشته‌ای گفته می‌شود: مثل بخش‌نامه‌ها، رساله‌ها، اعلان‌ها، آثار فلسفی، ادبی و ... و ادبیات به معنای خاص کلمه، به آثاری گفته می‌شود که از روی اراده برای ارائه مقصود معینی به کار رفته و از نظر زیبایی و سبک و شکل با ارزش و معتبر باشد.

ادبیات به هر اثر ادبی شکوه مندی گفته می‌شود که در آن عامل تخیل دخیل باشد و در ضمن با جهان واقع نیز ارتباط معناداری داشته باشد. ادبیات دربرگیرنده همه انواع آثار خلاقه است؛ چه شعر و چه نثر؛ مثل منظومه‌های حماسی، غنایی، نمایشی، تعلیمی، قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان و ...

بنابراین ادبیات داستانی نیز بخشی از ادبیات است که همه انواع آثار روایتی منثور را دربر می‌گیرد، یعنی هر اثر روایتی منثور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معنی‌داری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد. ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آن‌هاست. در ذیل به بررسی گونه‌های یاد شده می‌پردازیم. (محمودیان، ۱۳۸۲):

### قصه

معمولاً به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هاست، قصه می‌گویند. در حقیقت حوادث، قصه را بوجود می‌آورند. قصه‌ها اغلب پایانی خوش دارند و در آن‌ها خوبی‌ها بر بدی‌ها پیروز می‌شوند. شکل

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قصه‌های عامیانه اغلب ساده و ابتدایی است و زبان نقلی و روایتی دارد و پر از اصطلاح‌ها و لغت‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه است و زبان معمول و رایج زمان در آن‌ها به کار گرفته شده است. پس قصه شامل همه آثار خلاقه‌ای می‌شود که پیش از مشروطیت با عنوان‌های «حکایت»، «افسانه»، «سرگذشت»، «اسطوره» و ... در متون ادبی گذشته آمده است.

سه خصوصیت بنیادی، قصه را از داستان و رمان جدا می‌کند که عبارتند از: «خرق عادت، پیرنگ ضعیف، و کلی گرای». رمانس قصه خیالی منشور یا منظومی است که به وقایع غیر عادی می‌پردازد و ماجراهای عجیب و عشق بازی‌های اغراق آمیز یا اعمال سلحشورانه را به نمایش می‌گذارد. رمانس در قرن ۱۲ در فرانسه رونق گرفت و ابتدا به شکل منظومه بود و بعدها به نثر نیز درآمد. رمانس جهان غیر واقعی و خیال پردازانه شوالیه‌گری را به نمایش می‌گذارد و برخلاف حماسه، تنها به جنگ و میدان‌های کارزار اختصاص ندارد. شخصیت‌های رمانس قهرمانان پاک نژادی بودند که به ماجراهای عاشقانه اغراق آمیز و اعمال سلحشورانه دل بسته بودند و در راه رسیدن به معشوق با جادوگران و دیوها می‌جنگیدند. رمانس‌ها به ندرت دارای محتوای اخلاقی و تعلیمی هستند.

## رمان

رمان انعکاس دهنده واقعیات زندگی است. و معروف ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار ماست. رمان استوار بر گزارشی واقع گرایانه از رویدادها و امور است. رمان ممکن است بر اساس داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه یا رویدادهای واقعی و گزارش شده در مطبوعات نوشته شود، ولی یک داستان، وقتی رمان است که روایتی نو از امور به دست دهد. (یونسی، ۱۳۶۹)

هر رمان شرح و نقلی است از زندگی و متضمن کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه‌ها، پیرنگ و درونمایه است. رمان با «دن کیشوت» اثر سروانتس (نویسنده و شاعر اسپانیایی) در خلال سال‌های ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۵ تولد یافت و با رمان «شاهزاده خانم کلو» نوشته مادام دولافایت بنیادش ریخته شد.

## داستان کوتاه

داستان کوتاه به شکل و الگوی امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرد. با گذشته زمان، داستان کوتاه تنوع و تکامل بسیاری یافت و انواع گوناگونی از آن بوجود آمد. داستان کوتاه را به مفهوم عام آن می‌توان چنین تعریف کرد: «روایتی است منشور از بازآفرینی وقایعی درباره اشخاص به گونه‌ای که موجب انتظار [تعلیق] و صمیمیت باشد».

عموماً داستان دربر گیرنده نمایش تلاش و کشمکشی است میان دو نیروی متضاد و یک هدف. رابرت اسکولز در کتاب «عناصر داستان» می‌نویسد:

«شکی نیست که داستان چیزی کاملاً متفاوت با اسناد تاریخی با داده‌های صرف است. داستان فقط ساخته نمی‌شود، بلکه بر ساخته می‌شود؛ یعنی محصول غیر متعارف و غیر واقعی قوه تخیل انسان است».

## مشخصات داستان کوتاه عبارت است از اینکه (اسکولز، ۱۳۷۷):

- ۱- طرح منظم و مشخصی دارد؛
- ۲- یک شخصیت اصلی دارد که در یک واقعه اصلی ارائه می‌شود؛
- ۳- به صورت کلی همه اجزای آن با هم پیوند متقابل دارند؛
- ۴- تأثیر واحدی را القا می‌کند؛
- ۵- کوتاه است.

انواع مهم داستان‌های کوتاه را می‌توان به اختصار چنین توصیف کرد:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داستان‌هایی که برشی از زندگی است و نقش حادثه در آن به کمترین حد ممکن می‌رسد، داستان‌های نمادین و تمثیلی، داستان‌هایی که ضبط ساده‌ای است از روایتی گفتار گونه و در طی داستان خصوصیت‌های اخلاقی و روانی شخصیت یا شخصیت‌ها تصویر می‌شود، داستان‌هایی که از عمل داستانی تشکیل شده و در پی ظاهر آن مفهوم جنبی دیگری نهفته باشد و ...

## نوآوری در ادبیات داستانی

برخی از صاحب‌نظران ادبیات داستانی معتقدند که هر داستان و رمانی که به خلاف سنت‌های رایج شکل بگیرد، در گونه رمان مدرن و یا نو قرار می‌گیرد. آن چنان که ویکتور هوگو در دوران خود همچون جیمز جویس در اوایل قرن بیست نوآوری کرده و به شیوه‌ای داستان می‌نوشته که پیش از آن، رایج نبوده است. از جانب دیگر، برخی به این اصل رسیده‌اند که انسان در عرصه داستان‌نویسی، تمام راه‌ها را طی کرده است، و در دوره معاصر، تنها به تلفیق شیوه‌های گذشته مبادرت می‌ورزد. با تمامی این تفاسیل، برخی رمان نو یا مدرن را به رمانی اطلاق می‌کنند که درست بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا و آمریکا ظهور کرد. این افراد منکر این قضیه نیستند که واژه معاصر و مدرن، با دوره‌ای که هر اثری خلق می‌شود ارتباط تنگاتنگی دارد؛ و به عبارتی، هر اثر ادبی و هنری، در هر زمانی که خلق می‌شود، مدرن است. با این حال، آنها بیشتر دوست دارند اصطلاح «رمان مدرن» یا «رمان نو» را برای دوره‌ای که از سال ۱۸۶۰ شروع شد و تا سال ۱۹۷۰ ادامه یافت، به کار برند؛ و به طور چشمگیری هم، در این راه، موفق بوده‌اند. (میرصادقی، ۱۳۸۳)

در طی این سالها، دیدگاه نویسندگان و شیوه داستان‌نویسی آنها دچار دگرگونی اساسی شد؛ و امروزه مرسوم است هرگاه سخن از «مدرنیسم» و «ادبیات داستانی مدرن» به میان می‌آید، ناخواسته توجه همگان به آن دوره خاص جلب شود. بسیاری بر این باور پافشاری می‌کنند که «مدرنیسم» که میان جنگ جهانی اول و دوم ظهور کرد، خود رنسانسی دیگر بود؛ که طی آن، ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... کشورها تغییر کرد و وضعیت نویسندگان، به ناگاه دگرگون شد. البته، نحوه شکل‌گیری و اهداف و برنامه‌های رنسانس، با جریان مدرنیسم کاملاً متفاوت است. اما از آنجا که بافت اجتماعی و فرهنگی کشورها دچار تغییر عمده شد، این دو رویداد بزرگ را با هم قیاس می‌کنند. در دوره رنسانس، دیدگاه‌های مطرح شده توسط افلاطون در مورد الهام‌پذیری شاعر، کمک بسیار زیادی در ظهور این انقلاب بزرگ کرد. افلاطون، از این نظر، شاعران را با پیامبران یکسان دانسته، چنین مدعی شده که یک شاعر، با اثر خود می‌تواند انسانها را ارشاد و راهنمایی کند. افلاطون معتقد بود شاعران و هنرمندان، ارتباط نزدیکی با عوالم فراحسی دارند، و می‌توانند از بیرون از طبیعت، کمک بگیرند. بر این اساس، پیروان مدرنیسم قرن بیست، ریشه‌پیدایش این نحله را در قرن ۱۹ نمی‌جویند. آنها مدعی‌اند که ریشه‌پیدایش تفکرات مدرن، با ظهور رنسانس پدید آمده است. طبق نظر آنها، بعد از رنسانس، این مدرنیستها بودند که به انسان این اطمینان را دادند که بشر می‌تواند پیام‌ها، درک کند و بهترین باشد. بعد از رنسانس، مردم به این باور رسیدند که می‌توانند درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند و اصطلاحاً در محیط اطراف خود دخل و تصرف کنند. (محمودیان، ۱۳۸۲)

بر این اساس، همان دیدگاهی که باعث پیدایش رنسانس شد بعدها در قرن هیجده توانست یک ایده بزرگ ذهنی و عقلانی را طراحی کند؛ و آن هم جدال میان سنت و مدرنیسم بود. این طرح بنیادین توانست زندگی فکری اروپاییان را تحت تأثیر خود قرار دهد. سنت و مدرنیسم عملاً توانست دو گروه عمده پدید آورد؛ یک دسته‌آنجایی که شدیداً پیروان سنت بودند و دیگری آن دسته از افرادی که طرفدار مدرنیسم بودند.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بدین ترتیب بود که قرن ۱۸، عصر روشنگری لقب گرفت. در این عصر طبق نظر مدرنیستها، بلوغ فکری اعتقادات و باورهای پیروان انسانمداری، از طریق استدلالها و برهانهای مطرح شده، اثبات شد؛ و ذهن روشنگر باعث شد تا انسان آزاد گردد، و از دست موهوم پرستیها و نادانیها رهایی یابد.

لازم به ذکر است: عصر روشنگری یک حرکت ظاهراً عقلانی بود که بیشتر، انقلاب صنعتی محرک آن بود. انقلاب صنعتی بین قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ صورت پذیرفت؛ زمانی که انسانهایی چون گالیله و اسحاق نیوتن، از طریق دانش و علم خود، به فراگیری قوانین طبیعت پرداختند. حقایقی که آنها به دست آوردند، فراتر از آن چیزی بود که عرف پذیرای آن بود؛ مخصوصاً باورهای اشتباهی که کلیسا بر آن تأکید می‌ورزید؛ همچون این باور که زمین به دور خورشید می‌گردد، و خلاف آن توسط کلیسا اشاعه می‌گردید.

در پی آن، متفکران قرن ۱۸، به تدریج به این اصل ایمان آوردند که هر مشکلی با کمک قدرت دلیل و برهان، قابل حل است. بدین ترتیب، بر آن شدند تا به تقابل با سنت، رسوم، تاریخ و حتی ادبیات و هنر گذشته بپردازند! آنها به تدریج به عرصه سیاست پا گذاشتند و بر آن شدند تا با قدرت سیاسی و حزبی، جامعه ایده‌آل خود را خلق کنند. در صورتی که مدرنیستها با طرح تئوریهای آرمانگرایانه خود، همواره جنگ و خونریزی را برای انسانها به ارمغان آوردند. به طور مثال، روسو با طرح برابری انسانها، اولین تجربه ساختن جامعه بهتر مدرنیستها را، با خون و جنگ توأم ساخت. نتیجه ایده‌های او، منجر به بروز جنگهای داخلی آمریکا گشت؛ و طی آنها، عده‌بی‌شماری مردم بی‌گناه کشته شدند، و شهرهای آمریکا، به خاک و خون کشیده شد. در واقع، ایده برابری انسانها، یک ایده روشنفکری در غرب آن زمان بود، و جنگ شمال و جنوب را دامن زد. ( یونسی ، ۱۳۶۹ )

در سال ۱۷۸۶، بروز انقلاب فرانسه نیز، توسط ایدئولوگهای مدرنیست شکل گرفت. در آن زمان نیز، مدرنیستها با دادن شعار برابری حقوق انسانها، یعنی «برادری، برابری و آزادی» - که در واقع شعار مادر فراماسونها بود - جریان عظیمی را در فرانسه به راه انداختند که نتیجه آن قتل و غارت مردم این کشور بود.

اگرچه انقلاب فرانسه فواید بسیاری را برای اروپاییان به همراه داشت، اما با تغییر موضوع انقلابیون که به قدرت رسیده بودند، تمام شعارهای مدرنیستها در نظر مردم مسخره جلوه گر گشت. چرا که بعد از این انقلاب، وضعیت جامعه رو به بهبودی نهد، و هیچ یک از شعارهای مدرنیستها تحقق نیافت.

انقلاب روسیه نیز، با حمایت فکری مدرنیستها شکل گرفت.

آنها در پی شکست مستمر خود، بر آن شدند تا این بار در خاک روسیه، در پی ساختن جامعه‌ای بهتر باشند. آنها گمان می‌کردند که با قدرت - به تعبیر خودشان - حقیقت، می‌توانند وارد عرصه سیاست شوند، و مسائل مختلف اجتماعی را دگرگون کرده، معضلات بشر را، ظاهراً برطرف سازند.

درواقع، در میان دو جنگ جهانی اول و دوم، مدرنیسم ترقیخواه، تازه به قدرت رسیده، و در پی اهداف خود بود. در آن زمان، مدرنیستها متحدالشکل وارد میدان شده در صدد جریان سازی و پیشبرد برنامه‌های خود بودند. در صورتی که در حال حاضر، مدرنیستها با جنبشهای سیاسی، ادبی و فرهنگی... تلفیق شده‌اند، و دیگر هویت اصلی خود را از دست داده‌اند. در آن دوره، شاعران و نویسندگان پیشرو مدرنیست، با تلاش بسیار، بر آن شدند تا وارد عرصه سیاست شوند، و - اصطلاحاً - انقلاب سیاسی به راه افتاده را، حمایت کنند. «پابلو پیکاسو» به سال ۱۹۴۴، به طور آشکار، به حزب کمونیست پیوست. در آن زمان و مدتی بعد از آن به نظر می‌رسد انقلاب روسیه می‌تواند پاسخگوی رؤیاهای مدرنیستها باشد. نظام کمونیستی، ظاهراً در

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تلاش بود تا جامعه بهتری بسازد. کمونیستها تمایلی به دسترسی به دموکراسی غربی نداشتند. آنها قصد داشتند در وجود خود، نوعی دموکراسی اقتصادی بنا کنند. بدین ترتیب بود که ایده‌های کارل مارکس، توانست جنبش سورتالیستی را تحت تأثیر خود قرار دهد. با به قدرت رسیدن دیکتاتوری استالین، تمام آرزوها و رؤیاهای مدرنیستها و پیروانش به باد رفت. آنها بر آن شدند تا با این دیکتاتوری مقابله کنند. اما به سرعت، توسط رئالیسم سوسیالیستی، بلعیده شدند؛ و خود به عنوان ابزار قدرت کمونیستهای استالینی درآمدند. با ظهور حزب نازی هیتلری، گروه جدیدی از مدرنیستها به سوی این حزب رو آوردند، و به طور آشکار، تحت فرمان نازیسم درآمدند. این در حالی بود که برخی از مدرنیستها به حمایت از کمونیسم، و برخی دیگر به طرفداری از فاشیسم درآمدند. آنها همچنان با دادن شعار «بیاییم آینده‌ای بهتر بسازیم»، در این گروه‌های سیاسی مخوف و جنایتکار وارد شده، چونان ابزار قدرتمندی در دستان آنها قرار گرفتند. اما نتیجه فعالیت مدرنیستها چیزی جز کشتار، دیکتاتوری و ناامیدی انسانها به همراه نداشت. بعد از انتشار خبر سوزاندن انسانها در آشوبتس، تئودر آدورنو (Theodor Adorno) چنین گفت: «آیا هیچ ادبیات و هنری، از این پس، حق حیات خواهد یافت؟»

حرکت و جنبش مدرنیستها، از دیرباز، زیر ذره‌بین منتقدین ادبی قرار دارد. آنها همواره از خود می‌پرسند: چرا جنبش آزادیخواهی و ایجاد جامعه بهتری که مدرنیستها خود را متولی آن می‌دانست، در هر کشور و منطقه‌ای که وارد شد، جز جنگ و خونریزی، و در پی آن، برقراری یک حکومت دیکتاتوری تمام عیار، چیزی به همراه نداشت؟!

با ظهور قریب‌الوقوع استعمار نو، مدرنیستها به دنبال این حرکت عظیم به راه افتادند؛ و این بار، از جریان ادبیات استعمار نو حمایت کردند؛ و بر آن شدند تا در کشورهای تحت استعمار جریان‌سازی کرده، به تقابل با سنن و تجربیات بومی ملل بروند. آنها با تخریب سنن و تجربیات ارزشمندی که مردم قرن‌ها برای به دست آوردن آنها تلاش کرده بودند، عملاً شرایط مناسب برای حضور استعمارگران را فراهم ساخته، هویت اصلی مردم تحت سیطره را خدشه‌دار کردند.

بدین ترتیب بود که انسان، پس از رویارویی با تمامی رویدادهای همچون انقلاب صنعتی، انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، ظهور کمونیسم، جنگ‌های جهانی اول و دوم، ظهور استعمار نو و... به دام ناامیدی و نیهلیسم افتاد. انسان مدرن، دریافته بود که هیچ‌گاه قادر به ساختن جامعه‌ای ایده‌آل نیست.

جالب این است که نویسندگان و هنرمندان مدرنیست، از همین شرایط خاص نیز سوءاستفاده کرده، اقدام به خلق آثار پوچ انگار و نیهلیستی کردند؛ و بدین ترتیب، مردم را به فرو رفتن در باتلاق پوچگرایی، تشویق کردند. در واقع، از سال ۱۹۵۰ به بعد، ادبیات پوچگرا، به صورت قدرت بلامنازعی درآمد. جدا از آن، ادبیات، محملی برای طرح جزبه‌جز مسائل مستهجن و غیراخلاقی شد. (یونسی، ۱۳۶۹)

ادبیات در این دوره، رسالت خود را در طرح مسائل فتنه‌انگیز، بحران‌ساز و فسادآور می‌دانست. ادبیات بر آن شد تا انسان را بی‌هویت نشان دهد و چهره‌ای عصیانگر، ناآرام و ناامید از او بسازد. در آثار ساموئل بکت، عصیان انسان، درشتنمایی شده است. در آثار او، پوچی و نیهلیسم، به صراحت رواج داده می‌شود. او بیش از همه به شخصیت‌هایی که انگل جامعه بودند توجه نشان می‌داد؛ شخصیت‌های بی‌هویتی که حاضر به انجام هر عمل زشت و پستی بودند.

ناتالی ساروت از دیگر نویسندگان مدرنیست به حساب می‌آید که به آثار خود لقب «واکنش» را داده بود. ساروت آثار او را ضد رمان لقب داد؛ درحالی‌که در همان دوره نیز، آثار او می‌توانست در گروه «رمان نو» قرار گیرد. ساروت به مقاله‌نویسی هم علاقه داشت و در مجموعه مقالات خود، تحت عنوان «عصر بدگمانی»، اندیشه‌های پوچ و کژاندیشانه خود را مطرح ساخت. او حتی میان نویسندگان و خواننده، به نوعی بدگمانی و سوءظن اشاره داشت. در حقیقت، افرادی چون ساروت و بکت، در صدد طرح مشکلات و معضلات مردم

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برای بهبود آن نیستند. آنها بیشتر قصد دارند دنیای تک بعدی خود را بسازند؛ و به طور غیر مستقیم، اندیشه هرج و مطرح طلبی و پوچگرایی را میان مردم اشاعه دهند. به همین دلیل، آثار آنها، به شرح مکنونات درونی انسانها بیشتر توجه دارد. در حرکت مدرنیستهای افراطی در آن دوره، نوعی سنت شکنی محض و بدون تفکر وجود دارد. آنها عملاً چشمان خود را بسته بودند، و با هر رویدادی که در گذشته شکل گرفته بود، مقابله می کردند. آنها قصد نداشتند. عناصر مثبت و ایده‌آل گذشته را حفظ کنند، و زواید کار را بیرون بریزند.

طرح اصلی آن، بر هم زدن همه چیز بود. آنها قصد داشتند به خلاف جریان آب شنا کنند، و هر آنچه را پیشینیان انجام می دادند تغییر دهند.

آلن روب گریه، به ارائه و تئوریهای مدونی در این راستا پرداخت. تا آنجا که او را «نظریه پرداز ادبیات مدرن» لقب داده‌اند. نظریه‌های او، با بی‌رحمی هر چه تمام‌تر، تمام پلها را پشت سر خراب کرد. او در یکی از آثار خود، به صراحت می گوید: «دنیا نه معنی دارد و نه معنی ندارد؛ بلکه فقط هست.»

روب گریه تنها به غافلگیر کردن انسانها علاقه دارد و به گونه‌ای مسائل را مطرح می سازد که خواننده فرصت تفکر و اندیشه نیابد. او نویسندگان را وامی دارد تا از نظم و رعایت قوانین داستان نویسی که در گذشته مرسوم بود، جداً خودداری ورزند. او عناصری چون شخصیت پردازی، حادثه، مضمون، درونمایه، زمان و مکان را دام بزرگی برای نویسنده می داند. تأکید او بیشتر در به بازی گرفتن حواس پنجگانه است.

میشل بوتور (Michel Butor) نیز با ارائه مجموعه مقالات خود، نویسندگان را به پیشبرد طرحهای پژوهشی دعوت کرد. او مدعی شد: قالب رمان باید به خدمت طرح دیدگاههای پژوهشی درآید. بدین ترتیب است که او مسائل ظاهراً پژوهشی خود را در محدوده زمانی اندک مطرح می سازد، و به انسان اجازه نمی دهد تا در پی دلیل و برهان بگردد. در حقیقت او ابتدا طرح مسئله می کند؛ اما با حربه کوتاه نویسی و ایجاد یک محدوده زمانی کوتاه، قضیه مطرح شده را لوث می کند، و به نفع خود، نتیجه گیری می کند. این حربه به کرات مورد استفاده ادبیات استعمار نو قرار گرفته است و می گیرد. ادبیات استعمار نو، به منظور بازسازی تاریخ و تغییر مسائل مختلفی که در گذشته رخ داده، از این حربه سود برده، و همه مسائل را به نفع آرمانهای خود مطرح می سازد؛ و بلافاصله نتیجه گیری می کند. (میرصادقی، ۱۳۸۳)

باید به این مسئله مهم توجه داشت که اگر رمان نو را رویکرد ادبیات در یک دوره خاص، آن هم بعد از جنگ بین الملل، بدانیم، تحلیل آثار ادبی و نحوه شکل گیری آنها قابل بررسی است. اما اگر منظور از رمان نو، آن چیزی باشد که در هر دوره و زمانی رخ می دهد، دیگر نمی توان به درستی، پیدایش این حرکت عظیم را شناسایی کرد. به همین دلیل است که غالب پژوهشگران، به تحلیل پیدایش مدرنیسم در آن مقطع خاص پرداختند. البته، آنها در پژوهش پیرامون ادبیات مدرنیستی قرن ۲۰، به مبانی مهمی دست یافتند. در قرن ۲۰، مردم متوجه شدند طبیعت دارای ابعاد وسیع و پیچیده‌ای است، و دانش بشری برای شناسایی تمام نیروها و رازها ناتوان است. از این رو، نویسندگان برای شناخت جهان، چون گذشته عمل نکردند؛ و به دنبال راههای دیگری گشتند. آنها بیشتر مجذوب عوالم ماوراء طبیعه شدند، و خواستند به تجربیات فراحسی دست یابند. در این دوره بود که شعر بیشتر از ادبیات مورد توجه قرار گرفت. چرا که در قالب شعر، افراد راحت تر به عوالم فراحسی و نامحسوس وارد می شدند.

آنها حتی تا آنجا پیش رفتند که چنین ادعا کردند که دانش بشری، بدون شعر ناقص است؛ و شعر می تواند جایگزین دیدگاههای فلسفی و حتی دین شود. ماتیو آرنولد، با سرودن شعری به نام «حقیقت»، پیشنهاد کرد که شعر جایگزین دین گردد. (ستور، ۱۳۷۹)



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آرتور سیمونز (Arthur Symonds) ادبیات را رقیب دانش دانست. بر طبق نظر او، ادبیات سمبولیستی به راحتی می‌تواند وظایف مذهب را بر عهده گیرد.

تی، اس، الیوت، که خود فردی کاملاً مذهبی بود، در سال ۱۹۲۸ متذکر شد: ادبیات توانایی طرح مسائل مذهبی را به طور کامل، دارد. به همین دلیل، مذهب می‌تواند جایگزین ادبیات شود؛ و برعکس آن هم، امکانپذیر است.

افرادى چون جیمز جویس از پائونده، تی اس الیوت ویرجینیا وولف، گرتروید استین، ویندهام لوئیس (Wyndham Lewis) و... به عنوان نویسندگان پیشرو مدرنیست و یا جریان نوگرایی در عرصه ادبیات شعری وداستانی شناخته شده‌اند. تمامی افراد یاد شده، به صورت منسجم و هدفمند، به خلق آثار مدرنیستی روی نیاوردند، بلکه هر یک، بدون اطلاع از فعالیت یکدیگر، به سوی این جریان ادبی گرایش پیدا کردند. آنها با مضامین مدرنیسم آشنا شدند. مقولاتی چون آزمایش و خطا، تجربه‌اندوزی، مخالفت با رئالیسم، فردگرایی، در این مرحله وارد ادبیات داستانی شد؛ و نویسندگان یاد شده، بر آن تأکید ورزیدند.

تحلیلگران ادبیات داستانی، پس از پژوهش طولانی، مضامینی را که مدرنیستها درشت نمایی کرده و در آثارشان به شدت به طرح آن پرداخته بودند، طبقه‌بندی کرده‌اند. بخشی از این گونه‌بندی، به شرح زیر است. (محمودیان، ۱۳۸۲):

## ۱. آزمایش و خطا

الف) طرح این مسئله که آثار مکتوب گذشته، کامل نیستند.

ب) آثار گذشتگان کلیشه‌ای هستند.

ج) باید در عرصه تکنیک و ساختار داستانها، نوآوری کرد.

د) باید از هنجارها، قوانین و حتی توقعات خوانندگان، سرپیچی کرد.

## ۲. مخالفت با رئالیسم

الف) درشتنمایی و توجه بیش از حد عناصری چون ایهام، تمثیل، کنایه.

ب) دوری جستن از توصیف کامل یک رویداد و حادثه.

ج) قرار دادن خواننده، در لامکانها و لازمانها.

د) پیچیدگی در طرح داستان و جابه‌جایی حوادث، و چینش دلخواه حوادث.

ه) مشاهده جهان با کمک احساسات درونی نویسنده، و روی آوردن به شرح مکنونات درونی شخصیتها.

ی) استفاده از اسطوره‌ها، و توجه به ضمیر ناخودآگاه. (میرصادقی، ۱۳۸۳)

## حماسه

حماسه امروزه در زبان فارسی برابر با منظومه پهلوانی به کار برده می‌شود. خاستگاه ادب حماسی را سرود پهلوانی یا چکامه می‌دانند که شعر روایی کوتاهی، در توصیف کارهای پهلوانی است. موضوع حماسه، شرح اساطیر و توصیف‌های آرمانی شده ایزدان و پهلوانان و وصف نبردهای سرنوشت‌ساز میان اقوام مختلف است. حماسه‌ها منبعی برای بررسی احساساتی ملی هستند که به سرودن آنها انجامیده است. افزون بر این، حماسه شرح دل‌آوری‌ها و پهلوانی‌های یک ملت به همراه شرح مظاهر مدنیت، فرهنگ و تمدن آن قوم و سیر و پیشرفت تدریجی آن در بستر زمان و مکان است. حماسه‌های ملی از آنجا که همواره شرح تاریخ پر ماجرای جوامع، با اعتقاد به ارزش‌های والای انسانی ملت‌هاست که از استقلال ملی و دینی خود دفاع می‌کردند، بیانگر آرمان‌های آن ملت است و در تکوین

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فرهنگ و هویت ملی جوامع نقشی انکارناپذیر دارند؛ چراکه در آنها می‌توان از اندیشه‌های فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و... جوامع آگاهی یافت.

نخستین کوشش‌های ذهنی بشر در رویارویی با مرگ، زندگی، عشق و نفرت، گذشت و فداکاری درحماسه مطرح است و این که جهان نخستین و عصر آفرینش چگونه بوده است. در حماسه، شاعر با داستان‌هایی شفاهی و مدون سر و کار دارد که در آنها شرح پهلوانی‌ها، عواطف و احساسات مختلف مردم یک روزگار و مظاهر میهن‌دوستی و فداکاری و جنگ با تباهی و سیاهی‌ها آمده است. از مهمترین ویژگی‌های حماسه آن است که مدتها پس از حوادثی که از آنها سخن می‌گوید پدید می‌آید، اما به طور معمول معتقدات و آثار فکری و اجتماعی دوران شاعر با اعتقادات و سنتهای دورانی که حماسه در آن بیان می‌شود اختلاط نمی‌یابد و شاعر با حذف نشانه‌های فرهنگی دوران پیشین، آثار و نشانه‌های زمان خود را در حماسه نمی‌آمیزد. به‌طور کلی حماسه‌ها با ایام و لحظات خاصی از حیات ملی یک قوم مرتبط هستند؛ دورانی که مردمان پیشین با مدنیت ساده و ابتدایی خود در تلاش برای تشکیل ملیت و تمدن خود بوده‌اند.

## شعر ملی

شعر ملی جزئی از ادبیات ملی و فرایندی تاریخی است که بر پایه آن، شعر در نتیجه «آگاهی ملی» شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، شعر ملی شعری است که بازتاب روح جمعی یک ملت باشد و از حوزه تفکر یک ملت نشأت گرفته باشد. همچنین از ذخیره مشترک اندیشه‌ها و احساسات منتسب به آن «ملت» در خلال جریان تاریخی مشترک برخوردار است که موجبات تمایز آن ملت از ملل دیگر می‌شود. در حماسه، حوادث قهرمانی که به منزله تاریخ خیالی یک ملت است، در بستری از واقعیات جریان دارند؛ واقعیاتی که ویژگی‌های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری، فرهنگی و مذهبی دربر می‌گیرد. از جمله این آثار، می‌توان به شاهنامه‌هایی همچون شاهنامه منظوم دقیقی و شاهنامه منثور ثعالبی اشاره کرد که تقریباً همزمان آغاز شدند؛ از این رو حماسه‌های منظوم هر ملت را می‌توان مصداق بهترین نمونه از شعر ملی دانست.

شاهنامه نیز تصویری از جامعه ایرانی در جزئی‌ترین ویژگی‌های حیاتی مردم آن است. در همان حال که با خواندن شاهنامه از نبردهای ایرانیان برای کسب استقلال و ملیت در برابر ملل مهاجم، آگاهی می‌یابیم، مراسم اجتماعی، تمدن و مظاهر و مدنیت و اخلاق ایرانیان و مذهب ایشان و حتی خوشی‌های پهلوانان و بحث‌های فلسفی و دینی آنان نیز مطلع می‌شویم؛ از این رو همگان معتقدند شاهنامه فردوسی عالی‌ترین، برجسته‌ترین و ماندگارترین نمونه اشعار ملی در ایران است که سبب تکوین هویت ملی ایرانیان شده است. حکیم توس با نوشتن اسطوره‌ها، حماسه‌ها و تاریخ ملت ایران از دوران بسیار کهن باستان، تا زمان استیلای تازیان، سعی در احیای هویت ملی ایرانیان دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت: فردوسی، ذخیره فرهنگ و تمدن ایران، برای چنین دوره و چنین وضعیتی بوده است.

## ادبیات و هویت ملی

ادبیات هر کشور، آینه تمام‌نمای اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی آن کشور در اعصار مختلف است؛ از این رو بررسی ادبیات از منظر آرا و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، بعد از پیداشدن دانش جامعه‌شناسی ادبیات در قرن نوزدهم، پدید آمد. در این رویکرد، شاعر یا نویسنده، یک موجود اجتماعی است که از جامعه تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر، رنگ و بوی ویژه‌ای بر آثارش می‌گذارد؛ بنابراین رابطه و پیوند استواری میان ادبیات و جامعه ایجاد شده است. ادبیات از گذشته‌های دور تا امروز، همواره در جستجوی اجتماعی آرمانی است و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

همواره تلاش کرده است، ویژگی‌ها و بحران‌های جامعه را منعکس کند و به آن پاسخی درخور دهد؛ بنابراین یکی از روشهای شناخت پیشینه و بن‌مایه‌های هویت ملی هر سرزمین، بررسی متون تاریخی و ادبی روزگاران پیشین آن جامعه است.

غالب اندیشمندان این حوزه معتقدند جامعه و ادبیات دارای کنشی متقابل هستند؛ بدین معنی که از یک سو، شرایط کلی جامعه موجب ظهور ادبیات خاصی می‌شود و از سوی دیگر، همین ادبیات با همه مختصات خود، بر زندگی نسلهای مختلف، مؤثر می‌افتد و بر بینش و روش فردی و اجتماعی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد؛ چراکه اندیشه و شرایط فکری نویسنده یا سراینده، تابع متغیرهایی از شرایط اجتماعی است که سبب بازتاب این اندیشه‌ها و شرایط فکری یا روحی در آثار او می‌گردد. از این رو، در تاریخ ادبیات ایران، می‌توان دوره‌های متفاوتی یافت که در هر دوره به اقتضای شرایط حاکم بر جامعه، ادبیات ویژه‌ای تولید گردیده است.

یکی از موضوعاتی که به خوبی در ادبیات فارسی بازتاب یافته است، موضوع هویت ملی ایرانی است. در سرزمین ایران، آثار ادبی زیادی دیده می‌شود که می‌توان با بررسی آنها به چگونگی فرهنگ و هویت ملی ایرانیان دست یافت. اهمیت ادبیات فارسی، شعر و ادب و هنر کلامی، در سرنوشت مردم ایران و در وحدت و تکوین هویت ملی آنان، بیش از اهمیت زبان و ادبیات در دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بوده است.

بنابراین یکی از راههای اصلی مقابله با پیامدهای منفی جهانی‌سازی یا غربی‌سازی، احیای هویت و شخصیت ملی است. در این راه می‌توان از ادبیات استفاده نمود؛ چراکه ادبیات هر ملت، به عنوان آئینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت ملی آن ملت، جایگاهی ارزنده دارد. به عبارت دیگر، ادبیات هر ملت، با دارا بودن ویژگی‌های متعدد از تمامی علوم و هنرها، تصویری جاودان، برای بازتاب دادن ذات و فرهنگ اقوام و مللی است که در دوران تاریخ و در اعصار و قرون مختلف پا به عرصه وجود نهاده و توانسته‌اند در مسیر تاریخ تأثیرگذار باشند.

از این رو ادبیات را می‌توان مهمترین تجلی‌گاه هویت و هستی‌شناسی ملت‌ها دانست؛ چراکه انعکاس‌دهنده آداب و آیین‌ها، ادیان، هنرها، افکار و اندیشه‌های هر ملتی است. ادبیات به عنوان وسیله شناخت و شناساندن جامعه یا تمدن می‌تواند برای برقراری ارتباط میان نسلهای گذشته و حال در تمامی زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا می‌تواند راهی برای حفظ ریشه‌های مشترک هویت ملی باشد. از سوی دیگر، ادبیات از جمله مقولاتی است که به سبب برخورداری از ویژگی‌های بازتاب‌دهندگی هویت جامعه، می‌تواند با گردآوری عناصر هویتی و متمرکز ساختن آن، در فرایند حفظ هویت ملی، اثربخش باشد.

ادبیات شکوهمند فارسی، حاصل تلفیق خرده‌فرهنگ‌های متکثر و متنوع جغرافیای فرهنگی ایران‌زمین و محور اساسی حفظ و انتقال هویت ملی ایرانیان محسوب می‌شود؛ چراکه کارکرد اصلی ادبیات فارسی در این سرزمین، شناسنامه هویت ملی ایرانی و کانون زایش فرهنگ و هویت این مرز و بوم بوده است. ادبیات شکوهمند فارسی تجلی‌گاه زندگی فردی و اجتماعی ما ایرانیان است و با طرح موضوعاتی مانند تاریخ، جغرافیا، سیاست، اقتصاد، دین، عرفان، فرهنگ و دانش‌هایی مانند؛ طب، نجوم، فلسفه، کلام، منطق و... لباسی بر قامت ایرانیان دوخته است که می‌توان آن را هویت ملی ایرانیان نامید؛ بنابراین می‌توان گفت مهمترین کارکرد این ادبیات، انتقال عنصر اصلی و پایدار فرهنگ و هویت ملی ایرانی به دوره‌های بعد است.

یکی از موضوعات مهمی که در ادبیات فارسی به بهترین‌گونه، بازتاب یافته است، موضوع هویت ملی ایرانیان است. اهمیت این موضوع در این است که آگاهی و آشنایی از هویت و تاریخ گذشته یک ملت، برای کسانی که به هویت ملی و پیشینه تاریخی و فرهنگی سرزمین خود علاقه‌مند هستند، ضروری است؛ به‌ویژه اگر این قوم، ملتی متمدن و صاحب فرهنگ درخشان باشد. بدیهی است که شناخت هویت ملی ایرانیان و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن - که در آثار ادبی بازتاب یافته است - می‌تواند پیوند میان ادبیات و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هویت ملی را آشکار سازد؛ بنابراین توجه بیشتر به آثار ادبی و جستجوی مؤلفه‌های هویت ملی در آنها، می‌تواند نقش مؤثری در بازیابی، نوسازی و تقویت هویت ملی ایرانیان داشته باشد. چراکه موضوع هویت در دهه‌های اخیر در میان اندیشمندان، به‌ویژه جامعه‌شناسان، اهمیت بسیاری پیدا کرده است.

از آنجا که ادبیات فارسی، برخاسته از هویت ناب ایرانی است، ظرفی است که توانسته است تمامی ابعاد فلسفی، روانی، فرهنگی و اجتماعی هویت ملی ایرانیان را در خود جای دهد. ادبیات فارسی جایگاه اعتبار افرادی است که منطق بیان و جادوی هنرشان در ترسیم شرایط، بازتافته از واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، همواره تصویری روشن برای ارزیابی تاریخ فرهنگ و تمدن ایران به دست داده و اثربخشی و کارآمدی نگاه ماندگارشان تا به امروز، پایدار و استوار باقی مانده است. افزون بر آن، ادبیات فارسی از حیث اشتغال به عموم انواع و قالب‌های ادبی و آفرینش آثاری سترگ در موضوعات اجتماعی، اعم از حماسی، غنایی، تعلیمی و... به‌ویژه از آن حیث که در بیشترین زمینه‌ها توانسته است شاهکارهای جهانی و درخور ستایش بیافریند، عاملی مهم در هویت‌سازی ایرانیان به شمار می‌آید؛ زیرا خاصه در حماسه‌ها، گذشته‌های تاریخی و فرهنگی یک قوم بازسازی می‌شود.

شاعران و سخن‌سرایان نامی ایران رسالت خطیر هویت‌سازی ایرانی و انتقال آن به نسل‌های بعد را در حوزه‌های گوناگون به‌خوبی انجام داده‌اند. در این میان، بهترین نوع ادبی که ویژگی‌های هویت ملی ایرانی را به بهترین شکل بیان کرده است، نوع ادبی حماسه است که سخت تحت تأثیر و نفوذ مذهب، سیاست، گرایش‌های گروه‌های اجتماعی و همچنین ضرورت‌های ملی زمان خود شکل گرفته است. در واقع این نوع شعر حالت بیداری یک جامعه را در برابر حیات و طبیعت تصویر می‌کند. حماسه هر ملتی، بیان‌کننده آرمان‌های آن ملت است و تلاش‌های آن ملت را در راه سربلندی و استقلال، برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند و در آن، همه‌گونه مطلبی، از اخلاق، الهیات، سیاست، فرهنگ، اجتماع و... بیان شده است.

در ادبیات غنایی نیز «من» شخصی و هویت فردی افراد جامعه پرورده می‌شود؛ به‌ویژه که ادبیات غنایی در ایران، تحت نفوذ عرفان قرار گرفته و به تعالی هویت فردی کمک شایانی کرده است. در ادبیات تعلیمی از هویت فردی سخن گفته می‌شود که در پرتو آموزش‌های فرهنگی جامعه، به هویت اجتماعی افراد می‌انجامد. هویتی که بر فطرت اجتماعی خویش و استعداد‌های محیط خود تکیه می‌کند. می‌توان گفت همه ابعاد گستره بیکران ادبیات فارسی در خدمت تکوین، تداوم و ارتقای هویت ملی ایرانی قرار داشته است. از سوی دیگر، به دلیل ظرفیت‌های گسترده و پیام‌های والای انسانی در ادبیات فارسی، این ادبیات می‌تواند در عین تماس سازنده با جهان، پشتوانه‌ای عظیم برای حفظ هویت ملی ایرانی محسوب گردد.

پیشینه هویت ملی و وحدت و همبستگی ایرانیان را در دوره‌هایی که مناطق مختلف این مرز و بوم در اختیار حکومت‌های جداگانه‌ای بوده که غالباً نیز با هم درگیری داشتند و چنین می‌نمود که مردمان آن مناطق از هم گسسته و بیگانه شده‌اند، به‌روشنی می‌توان در ادبیات فارسی یافت؛ زیرا در تاریخ تکوین همین زبان و ادبیات است که به‌وضوح می‌توان دید چگونه همان مردمی که در لوای فرمانروایان مختلف و گاه در حال جنگ می‌زیستند، بی‌توجه به آن درگیری‌ها و جدال‌های قدرت‌طلبان، همچون مردمی بیگانه و هم‌زبان و هم‌فرهنگ، پیوندهای دیرینه خود را همچنان استوار داشته‌اند. بزرگان شعر و ادب و دانشمندان و هر آنچه نمودار فرهنگ و تمدن ایران بوده، از هر گوشه‌ای از این سرزمین پهناور برمی‌خاستند و به هر جا که منتسب می‌بودند، همه آنها را از بزرگان علم و ادب و فرهنگ خود می‌شناختند و این خود بهترین نشانه وحدت و هویت یک قوم و ملت است.

از این جهت به نظر می‌رسد ادبیات فارسی جامع‌ترین ظرفی است که هویت ایرانی را در خود جای داده است؛ زیرا این زبان و ادب، زاینده مهاجرت از لهجه‌های مختلف پهلوی جنوبی، به طرف شرق ایران و درهم آمیختن با لهجه‌ها و گویش‌های خراسان بزرگ بوده و از تار و پود خرده‌فرهنگ‌ها، آداب، نقش اسطوره‌ها و آیین مردم ایران سخن می‌گوید و نهایتاً خود را به سیرت و صورت فارسی دری

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نشان داده و به زبان رسمی و دولتی صفاریان و دولت‌های پس از آن ارتقا داده است. زبان فارسی پس از دوره‌های اولیه، به دلیل ماهیت ترکیب‌پذیری و انعطاف زبانی، به نواحی مرکزی و به تدریج نواحی غربی ایران بزرگ گسترش یافته و به صورتی خودجوش و برای تمام شاعران و فرهیختگان به زبانی مقبول برای خلق آثار ادبی تبدیل شده است. ادبیات فارسی نقشی ممتاز و سهمی منحصر به فرد در بازسازی، سازگاری و همگون‌سازی مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی ایرانی دارد. در این میان، آفرینش و درخشش شاهنامه فردوسی در میان آثار ادبی فارسی، بهترین گنجینه برای معرفی تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ایرانیان محسوب می‌گردد و در مسیر بازتولید هویت ملی ایرانیان، نقشی انکارناپذیر دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت اندیشه‌های اثرگذار شاعران، نویسندگان، عارفان و فیلسوفان ایرانی و آمیختگی و همسازی اسطوره‌های باستانی ایران با آموزه‌های قدسی اسلامی و زیست سازگار و حرکت دوشادوش و متکامل تاریخی آنها و بازتاب آن در ادب فارسی، موجب غنی‌سازی همه‌جانبه ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی شده است. این ادبیات از گذرگاه چنین تعاملی، بر هویت ملی ایرانی تأثیری انکارناپذیر داشته و موجب شده به عنوان هسته مرکزی هویت ملی ایرانی نقشی مؤثر ایفا کند.

## نقش ادبیات داستانی در تثبیت هویت ملی کودکان

کتاب‌های درسی گونه‌ای از ادبیات کودکان و نوجوانان هستند. این دسته از کتابها حدود نه ماه از سال با دانش‌آموزان مقطع ابتدایی همراه هستند و آنها را در امر آموزش یاری می‌دهند. کتاب‌های درسی که جزو کتاب‌های غیرتخیلی هستند، بیش از هر چیز سعی در آموزش دارند. به همین دلیل، عنصر خلاقیت کمتر در آنها کارایی دارد. زیرا این کتاب‌ها قرار است بیشتر علوم مختلف را به کودکان آموزش دهند و کارکردی واقع‌گرایانه در برخورد با عوامل و عناصر مختلف دارند و بیشتر مخاطب خردسال خود را به تفکر در خصوص پدیده‌های طبیعی و می‌دارد. نثر آنها بیشتر غیر روایی است و بیشتر این داستان‌ها از ساختاری ساده برخوردارند و از زیاده‌گویی پرهیز دارند.

اما کتاب فارسی که سعی در آموزش زبان مادری ما ایرانیان، «فارسی دری»، دارد، بیش از سایر کتاب‌های درسی با نثر روایی سروکار دارد. همانگونه که ذکر شد، داستان‌ها علاوه بر سرگرمی، جنبه‌های آموزشی نیز دارند. اما آنچه در کتاب‌های درسی بیشتر به عنوان داستان به کار برده می‌شود، داستانهای کوتاه و گاه نثرهای ساده در برگزیده مطالب آموزشی هستند. با این وجود، در کتاب‌های فارسی حکایت، افسانه‌ها و داستان‌های برگرفته از ادبیات کهن و معاصر ایران و موارد بسیار نادری از ادبیات اروپا تدوین و تألیف شده است. هر چند کتاب‌های سال اول و دوم بیشتر به آموزش حروف، الفبا آموز و نگارش الفبا می‌پردازند، در تألیف آنها، به صورت غیرمستقیم، سعی شده مطالبی به صورت نثر غیرروایی و نثر روایی (داستان) آورده شود و از آنها در امر آموزش استفاده مطلوب شود.

درس فارسی دبستان در گذشته بیشتر بر خواندن و نوشتن تأکید داشت و به صورت یک کتاب درسی تدوین شده بود. اما در حال حاضر این درس در قالب دو کتاب ارائه می‌شود:

۱- کتاب فارسی - بنویسیم

۲- کتاب فارسی - بخوانیم

این کتابها در تمام سال‌های ابتدایی تدریس می‌شوند. کتابهای «فارسی - بنویسیم»، همانگونه که از عنوان آنها پیداست، بیشتر به آموزش حروف و درست نوشتن می‌پردازند. در سال اول ابتدایی در این کتاب بعد از آموزش حروف به ترتیب به آموزش کلمات و جمله‌ها می‌پردازند. در سال دوم در کتاب «فارسی - بنویسیم» پس از فراگرفتن ترکیب کلمه‌ها، کامل کردن

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جمله ها و توضیح درباره تصاویر به صورت نوشتاری، دانشآموز فرا میگیرد با ترکیب کلمات و کامل کردن آنها، واژه ها و جمله های جدیدی بسازد و گاه با سؤالاتی که از وی پرسیده می شود و باید به صورت کلمه های به آنها پاسخ بدهد، عمدتاً تلاش بر این است که مطالب فراگرفته شده توسط او با استفاده از تکرار کردن کلمات، در ذهن او تعمیق شوند. سعی عمده در آن است تا ذهن کودک به خلاقیت در کاربرد کلمات واداشته شود تا بتواند با کلمات آموخته شده داستانسرایی رانیز تجربه کند. شاید این نخستین تلاش آموزش رسمی است تا کودک با داستان و داستانسرایی آشنا شود تا تجربیهای هر چند کوتاه را به انجام رساند. در این مقطع کودک میتواند با راهنمایی بزرگترها و معلم، ذهن خلاق خویش را در قالب واژگان فرا گرفته شده به این امر مشغول کند.

در کتاب «فارسی - بنویسیم» سوم دبستان کودک فرا می گیرد کلمات را مرتب کند، دنبال کلمات خواسته شده و حروف بگردد و درباره ماجراهای مربوط به تصاویر که به صورت مشاغل، حوادث، تفاوت ها، ورزش ها و... است، مطالبی بنویسد. همچنین آشنایی با علائم راهنمایی و رانندگی، آموزش فرهنگ استفاده از تلفن، آشنایی با برخی چهره های علمی ایران و جهان، آشنایی با مفهوم وطن و میهن پرستی و ادامه جمله سازی آموزش داده می شود. به طور خلاصه، تلاش برای ارتقا و افزایش مهارت در نوشتن و جمله سازی از اهداف اصلی این کتاب به شمار می آید. در کتاب «فارسی - بنویسیم» چهارم دبستان مسائلی چون نهادها، بهداشت، اخلاق فردی و اجتماعی، دانش و دانشمندان دینی، ملی و میهنی، طبیعت، ادب و هنر در قالب نوشتن و توضیح تصاویر همانند کتابهای سال دوم و سوم است. اما با این تفاوت اصلی که به تدریج بر حجم نوشته افزوده می شود و از حجم تصاویر کاسته می شود. در آخر، دانش آموز با ساختار انواع جمله های خبری و پرسشی آشنا می شود و در نوشتن این جمله ها به صورت آگاهانه و هدفمند تمرین های خود را ادامه می دهد. کتاب «فارسی - بنویسیم» پنجم دبستان همانند کتابهای سال اول تا چهارم به فعالیت جمله سازی، کلمه های هممعنا و مخالف، انشاء و معانی واژگان می پردازد و توضیح در خصوص تصاویر نسبت به سال های قبل کمتر شده است. همچنین بازگرداندن متن های کهن به نثر ساده تلاشی برای آشنایی دانش آموزان با نگارش ساده و امروزی است. این امر یعنی تلاش بیشتر در نگارش و انشاء که دانش آموز را با مهارت های نگارش پیش از گذشته و در سطحی بالاتر آشنا می کند، از ویژگی های مهم این کتاب به شمار می آید. هر چند هدف اصلی در کتابهای «فارسی - بنویسیم» آموزش الفبا، نگارش صحیح، آشنایی با آیین نگارش و تمرین در مهارت نوشتاری است، در آنها فعالیت های داستان سرایی و آشنایی با داستان های کوتاه و افسانه های کهن ایرانی به صورت مستتر وجود دارد. حجم زیاد داستان ها و حکایت های کهن موجود در کتاب های ابتدایی و اشعار حماسی حافظ، سعدی، مولوی و ... خود گواه آن است که حجم قابل توجهی از کتاب فارسی به داستان و افسانه های کهن اختصاص داده شده است. این امر تأکیدی دوباره بر نقش فرهنگ مکتوب ادبی نسلهای گذشته ما در شناسایی و ترویج هویت ایرانی - اسلامی دارد، زیرا تداوم فرهنگ، هویت و زبان مادری ما در حفظ، پاسداشت و مرور واخوانی این گنجینه ارزشمند، یعنی افسانه ها و داستانهای ایرانی، با استفاده از زبان فارسی است.

## نتیجه گیری

نثر روایی (داستان) از گونه های ادبی است که از دوران کودکی به همراه ما بوده است. این امر همواره به دو صورت شفاهی نظیر: قصه ها و نچوهای مادرانه، لالایی ها و متل ها و نوشتاری (کتابهای تخیلی و غیرتخیلی) برای ما ممکن شده است. داستان ها و حکایات گاه جنبه آموزشی و گاه جنبه تفریحی دارد و برای پر کردن اوقات فراغت ما مناسب است. گنجینه ادب پارسی سرشار از این موارد است. حکایات «لقمان»، «مولوی»، «سعدی» و بسیاری دیگر از مشاهیر علم و ادب ایران از این لحاظ بسیار حائز اهمیت است. از اینرو، همواره دستاورد کاران ادبیات کودکان و نوجوانان از قالبهای داستان برای انتقال مفاهیم و اهداف آموزشی بهره می

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جویند. کتابهای فارسی دبستان (بنویسیم و بخوانیم) جایگاه مناسبی برای استفاده از این گنجینه ادبی است. کشور و فرهنگ ایرانی با توجه به دو عنصر ایرانی و اسلامی توانسته است علاوه بر آشنا کردن کودکان با فرهنگ ایرانی - اسلامی، زمینه تقویت هویت ملی را در کودکان این مرز و بوم فراهم کند. همچنین این داستان ها در زمینه آموزش رسمی و کتابهای درسی می توانند نقش مهمی برعهده گیرند. داستان های برگرفته از فرهنگ عامه و مکتوب ایرانی، چه در قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران، همواره علاوه بر کاربرد آموزشی نقشی مهم در حفظ و تعمیق هویت ایرانی - اسلامی دانش آموزان ایرانی به عهده داشته اند. کتاب های فارسی جزو اولین منابعی هستند که دانش آموزان به واسطه آنها با فرهنگ، زبان، فرهنگ عامه و هویت ملی خود آشنا می شوند. از اینرو، دستاورد کاران تألیف کتاب های درسی، بویژه کتاب های فارسی، تلاش کرده اند در آموزش از این امر استفاده کنند تا بتوانند افرادی با هویت ایرانی - اسلامی تربیت کنند و این حس را از دوران کودکی در آنها ایجاد و نهادینه کنند.

## منابع و مأخذ

- ۱- اسکولز، رابرت؛ عناصر داستان، فرزانه طاهری (مترجم)، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۲- دانش پژوهان، منوچهر (۱۳۹۷)؛ \*بازکاوی مؤلفه های هویت ملی در شاهنامه فردوسی (انتشارات اطلاعات، با تلخیص)
- ۳- ستور، مصطفی؛ مبانی داستان کوتاه، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۷.
- ۴- سادلرف، فلیپ. (۱۳۸۰). مدیریت تغییر، ترجمه: اسماعیل، غلامرضا، تهران: انتشارات میر، چاپ اول.
- ۵- سید جوادین، سید رضا، (۱۳۷۸)، برنامه ریزی نیروی انسانی، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- ۶- سیف الهی، ناصر و محمدرضا داوری (۱۳۸۷) مدیریت دانش در سازمانها، تهران: انتشارات آراد کتاب.
- ۷- شاین، ادگار، (۱۳۸۳)، فرهنگ سازمان، ترجمه: محبوب، محمد ابراهیم، تهران: انتشارات خرد.
- ۸- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۲). فرهنگ سازمانی، چاپ اول، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۹- مستندسازی تجربیان مدیران (از دیدگاه مدیریت دانش). نویسنده: دکتر سعید جعفری مقدم. ناشر: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت. چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۰- میر صادقی، جمال؛ عناصر داستان، تهران، نشر سخن، ۱۳۷۶، ص ۲۸.
- ۱۱- میر صادقی، جمال؛ داستان و ادبیات، تهران، نشر آیه مهر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸ تا ۱۵۱.
- ۱۲- محمودیان، محمد؛ نظریه رمان و ویژگی های رمان، تهران، نشر فروزان، ۱۳۸۲، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۱۳- یونسی، ابراهیم؛ هنر داستان نویسی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۶۹، ص ۹.